

## خودکشی، روشی سترون که نباید اجازه داد در میان کارگران جا باز کند!

با تشدید وخامت شرایط زندگی کارگران و بالا گرفتن اجحافات سرمایه‌داران زالو صفت نسبت به کارگران از جمله عدم پرداخت به موقع دستمزد آنها فشارهای تحمیلی به کارگران چنان ابعاد وسیعی پیدا کرده که شاهد رشد اقدام به خودکشی در میان کارگران می‌باشیم. مرور اخبار کارگری به روشنی خبر از رشد این پدیده دردناک در میان کارگران می‌دهد. با اشاره به چند نمونه بهتر می‌توان پی به ابعاد این واقعیت برد.

به گزارش خبرگزاری هرانا شامگاه یکشنبه ۲۵ مهرماه یکی از کارگران شرکت نفت و گاز پارس عسلویه واقع در استان بوشهر به نام جواد حاجت‌پور به دلیل مشکلات معیشتی دست به خودکشی زده و جان خود را از دست داد. در این گزارش قید شده که بر اساس نامه‌ای که در کنار جسد این کارگر یافت شده است دلیل و انگیزه این کارگر از خودکشی، فشارهای اقتصادی ناشی از حقوق پایین و تبعیض‌های مدیران این شرکت بوده است. در موردی دیگر بر اساس فیلمی که در فضاهای مجازی منتشر شد یک کارگر جوان پیمانی شرکت پابندان از اعضای کنسرسیوم فاز ۱۴ میدان پارس جنوبی به دلیل عدم پرداخت پنج ماه حقوق و بیمه نشدن از طرف شرکت اقدام به خودکشی از طریق ریختن بنزین به روی خود کرد ولی همکارانش به موقع متوجه شده و مانع خودکشی وی شدند.

همچنین به گزارش ایسنا "محمدجواد عرفانی" کارگر شهرداری دهدشت در استان کهگیلویه و بویراحمد اعلام کرد که همسرش در پی نداشتن توان مالی برای خرید لوازم مدرسه برای فرزندانش چهارشنبه شب ۳۱ شهریورماه ۱۴۰۰ دست به خودسوزی زد و جان خود را از دست داد. این کارگر گفت که به مدت ۵ ماه کارفرما از پرداخت حقوق خودداری کرد و همین امر باعث خودسوزی همسرش شد که می‌گفت: کجا دیده‌ایم کسی در اداره‌ای کار کند اما حقوق به او ندهند و حتی نتواند برای فرزندان خود وسایل مدرسه و قلم و دفتر بخرد؛ که به حیاط رفت و از نفتی که آنجا بود روی خود ریخت و خود را آتش زد.

قبل از این نیز سه کارگر در کرمانشاه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌شان مبادرت به خودسوزی نموده بودند. به گزارش خبرگزاری‌ها در روز سه‌شنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۰ سه کارگر در کرمانشاه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود از سوی پیمانکار در مقابل اداره راه و شهرسازی کرمانشاه مبادرت به خودسوزی کردند که از نتیجه این اقدام گزارشی در دسترس نیست.

همه این موارد و ده‌ها مورد دیگری که اخبارش به دلایل مختلف پخش نشده نشان می‌دهد که با تشدید فقر و فلاکت کارگران و حقوق‌های زیر خط فقر و عدم پرداخت همین حقوق‌های نازل از سوی سرمایه‌داران زالو صفت که تنها به فکر پر کردن جیب خود از حاصل استثمار کارگران می‌باشند خشم و نفرت کارگران فزونی یافته و در شرایط حاکمیت دیکتاتوری لجام گسیخته و سرکوب وحشیانه مبارزات کارگران متأسفانه برخی از کارگران به خصوص کارگران جوان از سر استیصال دست به خودکشی می‌زنند که البته چنین اقدامی هیچ بار مثبتی برای کارگر در بر ندارد.

رشد روزافزون پدیده خودکشی در میان کارگران به روشنی نشان می‌دهد که کارفرمایان در شرایط دچار بودن سیستم سرمایه‌داری در بحران و در نتیجه رشد روزافزون بیکاری در جامعه چگونه با عدم پرداخت به موقع دستمزد کارگران و عدم افزایش دستمزد آنها در حدی که قادر به تأمین نیازهای زندگی خود و خانواده‌شان باشند با زندگی

آنها بازی می‌کنند. به راحتی می‌توان دید که جان کارگر برای سرمایه‌داران این انگلهایی که از قبل رنج و زحمت کارگران مال‌اندوزی می‌کنند پیشیزی ارزش ندارد و آنها هم عامل مرگ تدریجی و هم مسبب خودکشی کارگران هستند.

شکی نیست که خودکشی واکنشی ناشی از استیصال و درماندگی می‌باشد که توسل به آن هیچ دردی از دردهای کارگر را دوا نمی‌کند. به همین خاطر کارگران پیشرو باید با قدرت تمام علیه این پدیده مذموم در میان هم‌قطاران خود تبلیغ کنند. اما می‌دانیم که این پدیده و رشد آن در میان کارگران در شرایطی رخ می‌دهد که جمهوری اسلامی با اعمال دیکتاتوری از متشکل شدن کارگران در تشکلهای مستقل صنفی خود جلوگیری نموده و اجازه نمی‌دهد که آنها در صنفی واحد و با قدرت اتحادشان به مصاف سرمایه‌داران بروند. درست بر مبنای این واقعیت است که برخی از کارگران که امکان مبارزه دسته جمعی علیه سرمایه‌داران را ندارند به راه‌های فردی که بی‌ثمرترین آنها خودکشی است سوق داده می‌شوند. واقعیت این است که قدرت کارگران در اتحاد و تشکل و مبادرت به راه‌های جمعی برای احقاق حقوق خویش است؛ و تنها در سایه اتحاد و تشکل است که آنها قادر می‌شوند در مبارزه با سرمایه‌داران به مطالبات خود دست یابند.

زمانی رفیق امیر پرویز پویان با درک شرایط مشقت‌بار کار و زندگی کارگران با همه احساس انقلابی خود بیان داشت که کارگران ایران در شرایط قرن هیجدهم کارگران اروپا زندگی می‌کنند با این تفاوت که از "سلطه پلیس قرن بیستم نیز برخوردارند".

واقعیت این است که در قرن ۱۸ و ۱۹ کارگران در اروپا تحت استثمار وحشیانه سرمایه‌داران قرار داشتند و بسیار پیش می‌آمد که در مقابل مصیبت‌های زندگی خود وقتی قادر به کسب مطالبات خود نبودند دست به خودکشی می‌زدند. در حقیقت وقتی جایگزینی واقعی در مقابل کارگران قرار نداشته باشد طبیعی است که خودکشی به قول مارکس "به افراطی‌ترین پناهگاه در مقابل مصیبت‌های زندگی خصوصی تبدیل می‌شود". اما این افراطی‌ترین پناهگاه نه تنها هیچ دردی را درمان نمی‌کند بلکه مشکلات خانواده‌های کارگری را فزونی می‌بخشد.

جامعه سرمایه‌داری مملو از مفاسدی است که به طور فردی نمی‌توان آنها را نابود نمود و به همین دلیل هم کمونیست‌ها به مثابه آگاه‌ترین بخش طبقه کارگر همواره تاکید نموده‌اند که تنها با تغییر ریشه‌ای ساخت اقتصادی-اجتماعی سرمایه‌داری است که می‌توان از شر این مفاسد خلاص شد. در جامعه ما تنها با یک انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر می‌توان به چنین موفقیتی نایل آمد. اما این رهبری از آسمان نازل نمی‌شود بلکه کسب رهبری انقلاب توسط طبقه کارگر نتیجه طبیعی فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر کارگران پیشرو و کمونیست‌ها می‌باشد. کارگران باید بیندیشند که در شرایطی که سرمایه‌داران و سگ نگهبان‌شان جمهوری اسلامی حتی امکان تشکل ساده صنفی را هم به آنها نمی‌دهند باید با توسل به چه روش‌هایی خود را متشکل کرده و شرایطی در جامعه به وجود بیاورند که امکان شکل‌گیری تشکلهای صنفی را هم به آنها بدهد.

تجربه مبارزات طولانی مدت کارگران نشان داده است که کارگران پیشرو و مبارز ایران باید با تحلیل شرایط مشخص جامعه ایران در جهت ایجاد سازماندهی مخفی گروه‌های سیاسی-نظامی گام بردارند. تجربه دهه ۵۰ نشان می‌دهد که با فعالیت‌های انقلابی چنین گروه‌های سیاسی-نظامی در دیکتاتوری حاکم شکاف ایجاد می‌شود و شرایط برای پیشروی نیروهای انقلابی تا رسیدن به پیروزی فراهم می‌گردد. تنها با گام نهادن در چنین مسیری است که کارگران تحت شدیدترین ظلم و ستم در ایران می‌توانند امیدوار باشند که پایانی بر وضع نکبت‌بار کنونی در مقابل‌شان قرار دارد و خودکشی‌های بی‌ثمر جای خود را به مبارزه هر چند سخت ولی شاداب مبارزاتی می‌دهد.